

حمایت قوانین موضوعه از جایگاه شغلی وکیل دادگستری

حسین رحمانی^۱، الهه سادات میریان دربندی^۲

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

چکیده

با وجود اینکه در قوانین مدون کشور ایران جایگاه و شان وکیل دادگستری در مقام دفاع از احترامات و شغل قضایی برخوردار است و کلیه مقامات قضایی و کارکنان اداری و ضابطان در برخورد با وکلای دادگستری موظف به حفظ کرامت آنان بر مبنای اصول و موازین اخلاقی و شرعی و حقوق شهروندی هستند. اما در عمل به دلیل عدم حمایت و ضمانت اجرای قوانین موجود و عدم وجود فرهنگ سازی در این زمینه، هر از چند گاهی شاهد ضرب و جرح وکیل توسط اصحاب دعوا هستیم و حتی برخی قضات و کارکنان دستگاه قضا نیز با رفتار و گفتار خود وکیل را نزد طرفین دعوا تحقیر می نمایند و استقلال وکیل که یکی از پایه های اقتدار برقراری نظم و عدالت است، توسط برخی اقدامات خدشه دار می گردد و جذب وکیل بدون حد و مرز مشخص و بدون متولی واحد، باعث تبدیل شدن دانش آموختگان بیکار به وکیل بیکار شده است. تمامی موارد یاد شده و دیگر موارد باعث شده است که جایگاه و شان وکیل در جایگاهی که باید باشد، قرار نگیرد که محقق در صدد یافتن چاره قانونی و عملی برای این معضل می باشد. تا کنون در باره جایگاه شغلی وکیل دادگستری در محاکم قضایی مقالات و کتاب های کمی نوشته شده و با از زاویه ی دیگری به آن نگریسته شده است. نوع تحقیق در مقاله حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی و روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و در برخی موارد به صورت میدانی بوده است.

واژه های کلیدی: جایگاه و شان وکیل، استقلال وکیل، حفظ کرامت وکیل، وکیل دادگستری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

مقاله حاضر به دنبال یافتن راه حلی برای حمایت قانونی از شغل وکالت و شخص وکیل چه از نظر جانی و چه مالی و عزت آبروی وکیل در اجتماع می باشد. در زمینه وکالت و ماهیت عقد وکالت و ضرورت استقلال وکلا مقالات و کتاب هایی ارائه شده است ولی راجع به حمایت قوانین موضوعه و جایگاه فعلی وکیل دادگستری به تفصیل سخن به میان نیامده است. با توجه به اینکه محقق خود جزء خانواده بزرگ وکلا بوده و به طور ملموس و از نزدیک با مشکلات و معضلات گریبانگیر وکلا آشنا می باشد. لذا دیدن این مشکلات محقق را برآن داشت تا در این زمینه مطالعه و تحقیق نماید. متأسفانه هر از چند گاهی در حوادث روزنامه ها می خوانیم یا از اخبار می شنویم که وکیلی توسط طرف مقابل دعوا یا حتی توسط موکل خود مورد ضرب و جرح و یا قتل قرار گرفته است. یا از همکاران وکیل می شنویم و یا می بینیم که برخی قضات محاکم از جایگاه شغلی خود سوءاستفاده کرده و وکیل پرونده را در حضور اصحاب دعوا مورد اهانت قرار داده است و حتی موکل وکیل رل وادار می کنند که به قاضی بگوید چه مقدار حق الوکاله به وکیلش پرداخت نموده است تا از این طریق بتواند جلوی دفاع موثر وکیل را بگیرد. در مواردی این سوء رفتار از برخی کارمندان شعب از جمله مدیر، منشی و بایگان هم دیده می شود و وکیل دو راه بیشتر ندارد یا حق موکل خود را نادیده بگیرد و با اهانت کنندگان برخورد نماید و مشکلات بعدی را به جان بخرد و یا مصلحت موکلش را در نظر گرفته و حقارت را تحمل کند و سکوت اختیار کند.

همچنین با توجه به عدم حمایت قانون از وکیل در خیلی از موارد موکل از پرداخت حق الوکاله طفره می رود در صورتی که وکیل موظف است در بدو امر چه حق الوکاله ای دریافت کرده باشد و یا دریافت نکرده باشد طبق تعرفه می بایست تمبر وکالتی را ابطال نماید والا به جرم فرار مالیاتی به مجازات مقرر محکوم می شود و یا از پذیرش شکوائیه یا دادخواست ارائه شده توسط وکیل خودداری می گردد.

با توجه به رویه موجود به وکلا اجازه داده نمی شود حرفه خود را تبلیغ نمایند در صورتی که موسسات حقوقی که تعداد آنها هم کم نیست و موسسین آن ها که حتی در زمینه حقوق هیچ گونه تحصیلاتی ندارند با تبلیغات گسترده، وکالت تعداد زیادی از افراد جامعه را اخذ می نمایند و پرونده را با پرداخت اندکی حق الوکاله در اختیار وکیلی که به علت محدودیت قانونی قادر نیست وکیل جذب کند و برای امرار معاش نیازمند کسب درآمد می باشد، قرار می گیرد در حالی بر این موسسات هیچ نظارتی صورت نمی گیرد و بدون پرداخت مالیات از وکیل بیگاری می کشند. از طرف دیگر مجلس با تصویب قوانینی چون قانون تسهیل کسب و کار، زمینه جذب تعداد زیادی وکیل را ایجاد می نماید که نه تنها معضل بیکاری حل نمی شود بلکه، دانش آموخته بیکار تبدیل به وکیل بیکار می شود. همچنین با جذب قضات بازنشسته و منصرف از فعالیت و کارمندان دادگستری و نمایندگان حقوقی ادارات وارگان ها به عنوان وکیل، وضع وکلا را از این که هست بدتر می کند.

در زمینه ارتقاء شان وکلا در جامعه نه تنها فرهنگ سازی نشده بلکه گاهی صدا و سیما با ساخت فیلم هایی غیر واقع به تخریب جایگاه وکیل در جامعه نیز می پردازد. همه موارد یاد شده محقق را برآن داشته است که در ایت زمینه تحقیقات لازم را به عمل آورد تا شاید تلنگری برای مسئولین و متولیان مربوطه در جهت رفع مشکلات و معضلات گریبانگیر وکلا باشد.

۲- وکالت در محاکم دادگستری و سایر مراجع و انواع آن

۲-۱- وکالت :

وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امر و یا اموری نایب خود می نماید (ماده ۶۵۶ قانون مدنی)، در دادرها و دادگاهها پیگیری پرونده و دفاع، توسط خود شخص و یا توسط وکیل دادگستری و به وکالت از طرف موکل انجام می شود و حضور وکیل در مراجع قضایی مزایای فراوانی به همراه دارد از جمله شفافیت دادرسی و اجتناب از اشتباه می باشد. (۱۴۰۰، دیوسالار، نادر، علی نجفی توانا)

۲-۲- وکیل پایه یک دادگستری:

وکیل پایه یک دادگستری دانش آموخته رشته حقوق و یا مبانی فقه و حقوق اسلامی است که در آزمون وکلا ایران پذیرفته شده است و دوره کارآموزی خود را طی نموده است. پس از پایان دوره تعیین شده کارآموزی، به عنوان وکیل پایه یک دادگستری شناخته خواهد شد و در عرصه وکالت مشغول به فعالیت حرفه ای خواهد شد. در حالت کلی وکالت مهارت و شغلی مقدس است وکیل پایه یک دادگستری برای گسترش عدالت و برای احقاق حقوق فعالیت خود را در جامعه انجام خواهد داد. امر وکالت زیر مجموعه امور قضایی است و از تأمینات شغل قضا برخوردار است. علی القاعده، تمامی افراد بدون حضور وکیل پایه یک دادگستری قادر به تنظیم شکایات خود در مراجع قضایی و قادر به دفاع از خود در برابر تضییع حقوق خود هستند اما درصد موفقیت آنها بدون حضور وکیل پایه یک دادگستری بسیار کمتر از زمانی است که وکیل پایه یک دادگستری از آنها در مقابل بی عدالتی دفاع کند.

وکالی دادگستری با وجدان و با صداقت کارهای موکلین خود را انجام خواهد داد وکیل پایه یک دادگستری علاوه بر اینکه فعالیت شغلی خود را انجام می دهد به نحوی مانع از ضایع شدن حقوق انسانی می گردد که این مهم دارای پیامدهایی در جامعه است و یکی از آن ها گسترش عدالت خواهی در جامعه خواهد بود همچنین این مهم باعث کوتاه شدن دست افراد بزهکار در جامعه می شود. مفهوم وکیل پایه یک دادگستری عنوانی است که بسیار مورد استفاده عموم قرار می گیرد اما شاید تفاوت این مفهوم یعنی وکیل پایه یک دادگستری را با سایر مفاهیم همچون وکیل پایه دو دادگستری یا وکیل قضایی یا مشاور حقوقی ندانند. در این جا قصد داریم تا به توضیح مختصری در خصوص وکیل و وکیل پایه یک دادگستری و سایر مفاهیم مرتبط بپردازیم. افرادی که همواره برای حل و فصل مسائل حقوقی و قضایی خود به وکیل پایه یک دادگستری مراجعه می کنند متوجه این امر هستند که قبول وکالت یا وکالت دادن به وکیل از نظر محدوده وکالت در هر حالتی بر دو نوع است. وکالت مطلق و وکالت مقید دو حالتی است که قبول وکالت و یا اختیار دادن موکل به وکیل از این دو حالت خارج نیست. ذکر این مطلب که وکالت به صورت مطلق یا مقید داده شده است، در متن قرارداد بسیار مهم و حیاتی است و یکی از ویژگی های رجوع به وکیل پایه یک دادگستری دقت وکیل در تنظیم قرارداد و ذکر و شرح تمامی نکات لازم و مهم به موکل خود است. قراردادی که میان وکیل و موکل عقد می شود بایستی گویای رابطه طرفین قرارداد و نوع ارتباط باشد. (۱۳۹۰، کاتوزیان، ناصر) منظور این است که افراد بایستی به طور کامل و دقیق نوع وکالت را مشخص نمایند که آیا وکالت به طور مطلق منعقد شده یا به طور مقید است. چنانچه موکل به وکیل پایه یک دادگستری وکالت از نوع مطلق را دهد، موکل برای همه امور زندگی خود به وکیل وکالت خواهد داد تا تمام امورات زندگی وی زیر نظر وکیل و یا به واسطه او انجام شود. فروش و خرید خانه یا پرداخت های هزینه خانواده و امور و مسائل قضایی و غیره همه و همه در زیر نظر وکیل متخصص صورت بگیرد یا وکیل به نیابت از موکل خود همه اموراتی که نیازمند تخصص وکیل است را انجام دهد که به آن وکالت مطلق می گویند.

اما در مقابل نوع دیگری از وکالت وجود دارد که به آن وکالت مقید می گویند و شرایط این نوع از وکالت اینگونه است که موکل برای موضوع مشخصی به وکیل وکالت خواهد داد. مثلا وکالت خرید خانه به وکیل داده می شود و وکیل در مابقی امور موکل خود دخالتی ندارد زیرا در قرارداد اینگونه قید شده است که وکالت به وکیل مقید به امر خاصی است.

(saraydl.com/fa) با در نظر گرفتن نوع وکالت موکل باید انتظارات خود را مشخص نماید و در صورت وکالت مقید نباید موکل انتظاراتی خارج از وکالت قید شده از وکیل خود داشته باشد. وکالت باید امری قانونی باشد و باید در انحصار شخص نباشد.

وظیفه وکیل پایه یک دادگستری در انجام فعالیت و امور مربوطه چیست؟

وکیل پایه یک دادگستری به سبب دانش حقوقی و گذشتن از مراحل سخت آزمون های متعدد حرفه ای تر از سایر وکلای دیگر به وظایف خود عمل خواهند کرد. چه مشاوره و چه وکالت فرقی در اصل موضوع ندارد و وکیل پایه یک دادگستری در هر زمینه ای به درستی به وظایف خود عمل خواهد کرد. وظیفه اصلی وکلای پایه یک دادگستری این است که بهترین شیوه و راهکار را برای موکلین خود در نظر بگیرند. وظیفه دیگر وکیل این است که با شرافت و با وجدان کاری کارهای مربوط به موکل خود را انجام دهد. وکیل با داشتن وجدان کاری و شرافت کاری در امر وکالت و به کار بردن همه دانش و مهارت خود باید به امر وکالت موکل خود بپردازد. وکیل پایه یک موظف است در متن وکالت نامه تمامی موارد را به طور صریح و کاملا واضح بازگو نماید و موکل خود را در هر موضوعی کاملا روشن سازد. از جمله هزینه وکالت، نوع وکالت، حدود اختیارات و غیره وکیل پایه یک در صورت قبول وکالت موظف است در تمامی جلسات دادرسی و در مواقع لزوم حضور به عمل بیاورد. وکیل پایه یک موظف است که در صورت ابلاغ هر حکمی یا انجام هر مرحله ای در روند پرونده موکل خود را باخبر سازد. وکیل مربوطه در صورت دریافت هر سند و مدرکی از موکل خود به وی رسید رسید، وکیل پایه یک باید کم هزینه ترین و بهترین راه را برای موکل خود در نظر بگیرد و در دفاع از موکل خود تمامی منافع او را در نظر بگیرد.

۲-۳- انواع وکالت

انواع وکیل در قانون به چند دسته تقسیم می شود، وکیل دادگستری، وکیل مدنی و وکیل مع الواسطه انواع وکیل در قانون است. وکیل دادگستری همان وکیل پایه یک دادگستری است که به تفصیل در خصوص نحوه دریافت عنوان مربوطه سخن گفته شد. وکیل مدنی نیز وکیلی است که برای امور مدنی به وکیل مدنی مراجعه خواهد شد و اما وکیل مع الواسطه وکیلی است که فرد شرایط لازم برای انتخاب وکیل را ندارد و در نتیجه این امر به وکیل یا فرد دیگری سپرده خواهد شد تا به نیابت و از جانب وی وکیل انتخاب نماید. مانند زمانی که فرد در زندان است و احتیاج به وکیل پایه یک دادگستری دارد که برای اخذ وکالت به شخصی وکالت خواهد داد تا قرارداد وکالت را با وکیل امضا نماید که در این حالت وکیل مع الواسطه انتخاب شده است. البته این عناوین برای افراد عادی زیاد مهم نیست و ممکن است اصول اخذ وکالت را در هر یک از حالات فوق بدانند اما نام حقوقی آن را ندانند. اما وکیل خود بر اقسام مختلفی است که در متن زیر به آن خواهیم پرداخت.

الف: وکالت تعینی: وکالتی است که از طرف شخص به وکیل تعینی و انتخابی خودارجاع می گردد که ممکن است وکالت حسب مورد به وکیل پایه یک دادگستری و یا به وکیل پایه دو دادگستری داده شود.

ب - وکالت اتفاقی: اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکیل دادگستری نباشد اگر بخواهند برای خویشاوندان نسبی و سببی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت نمایند، ممکن است که سه نوبت در سال به آنها وکالت اتفاقی داده شود.

ت - وکالت معاضدتی : وکالت معاضدتی وکالتی است که در موضوعات حقوقی از طرف کانون وکلا یا مرکز امور مشاوران حقوقی ، وکلا و کارشناسان قوه قضاییه به وکیل دادگستری ارجاع می شود.

ث- وکالت تسخیری : وکالتی است که از طرف دادگاهها در امور کیفری برای دفاع از متهم در جرائمی که مجازات آن بر حسب قانون قصاص نفس ، اعدام ، رجم ، حبس ابد می باشد ، به وکیل دادگستری ارجاع می شود و چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید ، تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی است مگر در خصوص جرائم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل امتناع می نماید(https://arikedadban.com)

ج - وکالت اشخاص حقوقی حقوق عمومی : وزارتخانه ها ، موسسات دولتی و وابسته به دولت ، شرکتهای دولتی ، نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیر دولتی ، شهرداری ها و بانکها می توانند علاوه بر استفاده از وکیل دادگستری از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود تحت شرایطی به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند و می بایست معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی ارائه نموده و حدود اختیارات نماینده نیز مشخص باشد.

چ - وکالت اشخاص حقوقی حقوق خصوصی : نظر به اینکه اعطای نمایندگی حقوقی از سوی شرکتهای خصوصی جهت اقامه دعوی ، دفاع و پیگیری پرونده در دادگاهها و دادرها پذیرفته نیست لذا شرکتهای می توانند با اعطای وکالت به وکیل دادگستری نسبت به اقامه دعوی ، دفاع و پیگیری امورات خود در محاکم ، توسط وکیل دادگستری اقدام نمایند .

ح - وکالت در مطالعه پرونده : اشخاصی که توان مالی پرداخت حق الوکاله جهت اعطای وکالت در دفاع و پیگیری پرونده را ندارند و یا اشخاصی که صرفاً قصد اطلاع حقوقی از روند دادرسی و بررسی پرونده را دارند می توانند با اعطای وکالت در مطالعه پرونده به وکیل دادگستری از مزایای این نوع وکالت بهره مند شوند.

خ - وکالت در ادارات : با توجه به گسترش روز افزون قوانین و مقررات در کلیه امورات ، اشخاصی که توان و اطلاعات حقوقی لازم و فرصت پیگیری و انجام امورات خود را در ادارات ندارند می توانند با مراجعه و اعطای وکالت به وکیل دادگستری ، پیگیری و انجام امورات خود را به وکیل محول نمایند.

۲-۴- نحوه اعطاء وکالت:

- وکالت در دادگاه ها ممکن است به موجب سند رسمی یا غیر رسمی باشد . که در مورد وکالتنامه های غیر رسمی تنظیمی در ایران ، وکیل میتواند ذیل وکالت نامه تأیید کند که وکالت نامه را موکل شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است.

- اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود ، مراتب در صورت جلسه قید و به امضای موکل می رسد. در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران رسیده باشد.

۲-۵- اختیارات وکیل دادگستری:

ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در خصوص وکالت مقرر داشته : « وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده یا توکیل در آن خلاف شرع باشد ، لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالت نامه تصریح شود.

۱- وکالت راجع به اعتراض به رأی ، تجدیدنظر ، فرجام خواهی و اعاده دادرسی.

۲- وکالت در مصالحه و سازش.

- ۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استردادسند.
- ۴- وکالت در تعیین جاعل.
- ۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور.
- ۶- وکالت در توکیل .
- ۷- وکالت در تعیین مصدق و کارشناس.
- ۸- وکالت در دعوای خسارت.
- ۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا
- ۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث.
- ۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث.
- ۱۲- وکالت در دعوای متقابل و دفاع در قبال آن.
- ۱۳- وکالت در ادعای اعسار.
- ۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند.

تبصره ۱ - اشاره به شماره های یاد شده در این ماده بدون ذکر موضوع آن ، تصریح محسوب نمی شود.

تبصره ۲ - سوگند ، شهادت ، اقرار ، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی باشد .

وکیل در دادرسی ، در صورتی حق درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجوه ایداعی به نام موکل را خواهد داشت که در وکالت نامه تصریح شده باشد.(قانون آیین دادرسی مدنی)

۲-۶- قرارداد حق الوکاله:

- ماده ۱۹ لایحه استقلال کانون وکلا که قرارداد وکیل و موکل را معتبر اعلام کرده است دارای اعتبار قانونی است . و خدشه‌ای به آن وارد نمی‌باشد و در صدور و آغاز تعرفه حق الوکاله سال ۱۳۸۵ هم باز قانونگذار ذکر کرده است که ماده مزبور به قوت خود باقی است و قراردادهای خصوصی بین وکیل و موکل معتبر است . کسی حق ندارد وکیل را برای مقدار مبلغی که از موکل گرفته ویا اینکه بابت چه کاری گرفته است باز خواست کند .مدعی در این مورد فقط اداره دارائی و صندوق حمایت و کانون وکلاء مرکز وکلا است . وقتی هزینه‌های مالی و عوارض حق الوکاله به کانون یا مرکز و ارگان‌های فوق پرداخت می گردد دیگر کسی حق ندارد که وکیل را باز خواست کند که چقدر حق الوکاله گرفته است.

۲-۷- نحوه اخذ حق الوکاله از موکل

هرچند وکالت دادگستری ذاتاً شغلی شریف و نجیب، و حرفه ای دارای اهمیت و ارزش بیش از تصور افراد عادی است و از این رو هیچ کس نباید برای هدف پول سازی و کسب درآمد به انتخاب این شغل روی آورد، ولی بدون تردید، وکیل دادگستری از محل درآمد حاصل از ارائه همین خدمات سد جوع کرده و زندگی خود را اداره می کند. به این ترتیب یکی از مسائل اساسی و مبتلابه در رابطه میان وکلای دادگستری و موکلین (مردم) بحث چگونگی تعیین میزان حق الوکاله و حق الزحمه و ترتیب وصول آن و همچنین تبیین روابط بعدی وکیل و موکل در این باره می باشد. که آن عاملی مهمی محسوب شده که به وسیله آن وکلای دادگستری در واقع ارزش خدمات و شان و مقام خود را تعیین می کنند.

از طرفی تجربه نشان داده است که موکلین مجانی و کسانی که به رایگان مشاوره دریافت می کنند، مزاحم ترین و پرتوقع ترین و پرازارترین مراجعه کننده به دفاتر وکلا می باشند. به نظر می رسد، بهتر است در صورت ناداری و نیازمند بودن چنین موکلی، هرچند با گرفتن مبلغی ناچیز و کم از ارائه خدمات مجانی صرف به افراد خودداری کنید.

با توجه به اینکه گرفتن حق الوکاله از برخی از موکلین کار آسانی نیست و قانون موضوعه موجود نیز از وکلای دادگستری در این زمینه حمایت نمی کند. بنا براین وکیل مجبور است تمهیدات لازم را جهت تسهیل در اخذ حق الوکاله اتخاذ کند. وکیل می تواند حق الوکاله را در زمان تنظیم وکالتنامه یکجا اخذ کند ولی اغلب به دلیل وضعیت نا بسامان مالی، موکل قادر به پرداخت یکجای حق الوکاله نیست بنا براین یکی از راههای تضمین اخذ حق الوکاله گرفتن چک یا هر وسیله پرداخت دیگر است و یا این که اختیار گرفتن محکوم به توسط وکیل و برداشت مبلغ حق الوکاله از محل آن برابر وکالتنامه به وکیل داد شود. یکی دیگر از راه های حل اختلاف بخصوص در صورت عدم پرداخت حق الوکاله، تعیین داور مرضی الطرفین در قرارداد وکالت می باشد. آخرین راه حل هم مراجعه به دادگستری برای گرفتن حق الوکاله طبق تعرفه و یا طبق قرارداد خصوصی در صورت وجود چنین قراردادی می باشد.

۳- حمایت قوانین موضوعه از جایگاه شغلی وکیل دادگستری

۳-۱- استقلال وکلا

استقلال وکیل به این معنا نیست که هیچ نهاد یا ارگانی بر عملکرد وکلا نظارت نداشته باشد بلکه استقلال به این معنا است که که وکیل در انجام وظایف شغلی اش باید تضمین داشته باشد که خیالش راحت باشد که دفاع از موکل باعث به خطر افتادن امنیت شغلی اش نمی شود. (۱۴۰۰، دیوسالار، نادر، علی نجفی توانا) عده ای بر این باورند که وکلا می خواهند هیچ نظارتی بر کار آنها نباشد و باند و انحصار داشته باشند و هر طور دلشان خواست عمل کنند در حالی که چنین تعبیری اصلا صحیح نیست و وکیل فقط می خواهد در انتخاب و دفاع از موکل خود بازخواست نشود و از این که مثلا از یک زندانی سیاسی یا اقتصادی دفاع می کند با اتهام خیانت به کشور یا کمک به مجرم مواجه نگردد. البته بین استقلال وکلا در کانون وکلا و مرکز وکلا ممکن است در تعریف یا عمل متفاوت باشد وقتی از وکیلی که عضو کانون وکلا در مقام دفاع است و می خواهند به اوفشار بیاورند به کانون نامه می نویسند و آن مرجع است که باید تصمیم بگیرد و جواب بدهد و اگر خواسته آنها قانونی نباشد به خواسته آن ها ترتیب اثر نمی دهند. اما تشکیلات ماده ۱۸۷ هر نامه ای که از طرف قوه قضاییه بیاید باید اجرا کند در واقع از مرکز وکلا درخواست می شود که با فلان وکیل برخورد شود و کانونی باید تشخیص دهد که به این کار نیاز هست یا خیر اما در مورد مرکز وکلا حکم و دستوری که از سوی قوه قضاییه صادر می شود باید اجرا گردد و این نحوه عمل است که استقلال وکلای مرکز را به خطر می اندازد و آنها مجبورند هر آنچه قوه قضاییه امر می کند درست یا غلط اجرا کند یا این که قید شغل وکالت را بزنند و از کارش کناره گیری کند که در هر دو صورت انجام آن برای وکیل پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت که به نظر می رسد برای این موضوع می بایست هر چه سریع تر یک فکر و تصمیم اساسی گرفته شود. (۱۴۰۰، نجفלו، رضا)

۳-۲- امر تبلیغ در شغل وکالت

در مورد ممنوعیت تبلیغات در شغل وکالت باید به تعریف وکالت توجه کنیم که آیا وکالت شغل است یا تجارت یا حرفه ای با مسئولیت اجتماعی. اگر وکالت را شغل بدانیم می بایست کار فرمایی برای آن تصور کنیم و در مواردی که شغلی کارفرما دارد نیاز چندانی به تبلیغ وجود ندارد اما اگر وکالت تجارت باشد برای دست یابی به سود و منفعت نیازمند تبلیغات گسترده است. بعضی شغل ها مثل پزشکی و آموزش دارای مسئولیت اجتماعی هستند و تجارت محسوب نمی شوند و قاعدتا نیاز به تبلیغ ندارند اما در شرایط کنونی که روابط گسترده شده و اوضاع و احوال برای موفقیت در نظام اقتصادی دنیا تغییر کرده است برای موفقیت در این مشاغل نیز نیازمند معرفی و تبلیغ هستیم و لذا در این گونه موارد هم می بایست مصادیق تخلفات در امر تبلیغ

مشخص گردد. با توجه به اینکه در هیچ قانونی در این گونه مشاغل تبلیغ ممنوع نشده است لذا اصل بر عدم ممنوعیت تبلیغ در این گونه فعالیت ها می باشد و اگر مثلا در شغل وکالت اصل را بر عدم تبلیغ قرار دهیم باید در اینجا مواردی را که می شود تبلیغ کرد عنوان شود ولی اگر اصل را بر تبلیغ بگذاریم فقط موارد تخلف باید احصاء شود که نیازمند تبیین آیین نامه های روشنی در این زمینه هستیم. به نظر می رسد تبلیغ ممنوع، تبلیغی است که با اغواگری همراه باشد و امری که خلاف واقع و خلاف اختیارات بیان شود. (آیین نامه اجرایی استقلال کانون وکلای دادگستری) اما تبلیغ به منظور تشویق مردم برای مراجعه به وکیل نه تنها تبلیغ خلاف نیست بلکه نوعی فرهنگ سازی است که حتی در برنامه پنج ساله پنجم توسعه به عنوان وظیفه بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده است و رسانه ها بخصوص صدا و سیما را مکلف به تشویق مردم در جهت حل مشکلات حقوقی خود در مراجعه مردم به وکیل نموده است. در همین راستا به نظر می رسد قوانین موجود که تبلیغ برای حرفه وکالت را ممنوع کرده است می بایست اصلاح و تجدید گردد و از سویی دیگر با مسئولین صدا و سیما که اجازه می دهند هراز گاهی فیلم هایی در جهت تخریب چهره وکالت تولید شود برخورد گردد و برنامه هایی در جهت آشنایی و ارتقاء جایگاه رفیع وکالت تولید شود و همچنین جلوی تشکیل موسسات حقوقی که حتی گاهها موسسین آن ها دانش آموخته در زمینه حقوق هم نیستند گرفته شود. این موسسات با ثبت شرکت و درج اختیار گسترده تبلیغ در داخل و خارج کشور در اساسنامه موسسه خود به راحتی در جامعه تبلیغ می کنند و با جذب موکلین از طریق تبلیغ، قراردادهایی خصوصی بین خود و موکلین منعقد می کنند و با پرداخت مبلغ ناچیزی به وکیل، آن پرونده را در اختیار آن ها قرار می دهند و وکلای ممنوع از تبلیغ که در امرار معاش خود باز مانده اند مجبور به قبول آن پرونده ها می شوند در حالی که هیچ نظارتی بر فعالیت اینگونه موسسات وجود ندارد و بدون پرداخت هر گونه مالیاتی درآمد خوبی از بیگاری کشیدن از وکلا اخذ می کنند و مسولین مربوطه به جای حل مشکل اصلی فقط مبادرت تجدید وکلا در مبنی بر عدم اخذ پرونده از این قبیل موسسات می نمایند در حالی که می بایست این مشکل به طور اساسی و کارشناسی شده با وضع قانون حمایتی سودمند حل گردد.

۳-۳- شان وکیل در مراجع قضایی و غیر قضایی

مشکل عدم رعایت شان وکیل را باید در تفاوت «نظر» و «عمل» جست و جو کرد. اصل ۳۵ قانون اساسی می فرماید: «در همه دادگاه ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.» در قوانین اساسی کشورهای دیگر کمتر به چنین حکم صریحی در مورد «حق دفاع مردم» برمی خوریم. تبصره دو ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می گوید: «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد.» تبصره سه همین مصوبه اشعار می دارد: «وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می باشد.» از این احکام قانونی می توان به اهمیت حق دفاع و مباشران اعمال آن - یعنی وکلا - در «عالم نظر» پی برد.

همچنین از بخشنامه مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۹ نیروی انتظامی که در آن به رعایت شان وکلا در مراجعه به یگان های نیروی انتظامی سفارش شده و بخشنامه ۱۳۷۸/۹/۷ رییس قوه قضاییه که در آن «... توجه عموم قضات محترم به این موضوع جلب...» شده که «...نسبت به رعایت شوون وکلای دادگستری اهتمام ورزیده به طوری که در هنگام مراجعه به مراجع قضایی و انجام وظایف قانونی خود از احتراماتی که متناسب با شغل آنان است، برخوردار شوند... و نظیر همین توصیه که در دستورالعمل داخلی ۱۳۷۵ سرپرست دایره نظارت بر زندان ها مشاهده می شود که به تمامی مسوولان ندامتگاه ها تفویض اختیار کرده، در صورت مراجعه مستقیم وکلا و کارآموزان به زندان در اسرع وقت موجبات ملاقات آنها را با موکلان زندانی شان جهت تنظیم وکالت نامه فراهم کنند. می توان دریافت در «عالم نظر» به شان وکیل و لزوم رعایت آن به عنوان «مقدمه واجب» برای رعایت «حق دفاع

مردم» اهمیت داده می‌شود، زیرا به هر حال باید بتوانیم بگوییم ما در سیستم قضایی خود نهاد وکالت را داریم و استانداردهای دادرسی منصفانه در نظام قضایی ما رعایت می‌شود. اما از طرف دیگر در «عالم عمل» هر چند در ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری حق همراه داشتن وکیل در مرحله تحقیق برای متهم تصریح شده اما بلافاصله در تبصره ماده مذکور اعمال این حق در مواردی که به تشخیص قاضی، موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم موجب فساد شود یا موضوع اتهام جرایم علیه امنیت کشور باشد، منوط به اجازه دادگاه می‌شود.

همچنین وکیل در مقام دفاع از احترامات و تامينات شغل قضا برخوردار است کلیه ی مقامات قضایی، کارکنان اداری و ضابطان، در برخورد با وکلای دادگستری موظفند ضمن حفظ کرامت آنان بر مبنای اصول و موازین اخلاقی و شرعی، قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند. (ماده ۶ آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلا) ولی در عمل، برخی از قضات به خود اجازه می‌دهند که در مقابل اصحاب دعوا، به وکیل اهانت کرده، واز رفتار و گفتار و الفاظ تهدید آمیز و تحقیر آمیز نسبت به وکیل استفاده نمایند، حتی مقدار حق الوکاله اخذ شده توسط وکیل را از موکل می‌پرسند و در صورت مغایرت گفته موکل و مبلغ تمبر ابطالی حتی بدون اخذ صحت و سقم ادعای موکل، برای وکیل گزارش تخلف انتظامی تهیه می‌نمایند و جلوی وکالت وکیل و دفاع از موکل را می‌گیرند و وکیل هم مجبور است در مواجهه با چنین مواردی یا از خیر وکالت گذشته و جواب آن قاضی را بدهد و درگیر دعوی ناخواسته و نا برابر می‌شود و یا به ناچار سکوت اختیار می‌کند که هر دو رفتار برای دستگاه قضا و شان وکالت مخرب می‌باشد. گاهی دیده می‌شود که این رفتار ناشایست از کارکنان برخی شعب دادگاه و دادسرا سر می‌زند که غیر قابل تحمل است. "درستکاری لازمه و صفت بنیادی هر شخصی است که می‌خواهد به عنوان عضوی از حرفه ی حقوقی فعالیت کند. چنانچه موکل در باره امانت و درستکاری وکیل تردید داشته باشد عنصر اساسی رابطه ای واقعی وکیل و موکل زایل می‌شود" (۱۳۹۷، خاتونی پودینه، زهرا). و برخی قضات و کارکنان دادگستری با رفتار نسنجیده خود باعث عدم ایجاد بی اعتمادی بین وکیل و موکل شده و شان وکیل را با زیر پا گذاشتن مرزهای حقوق و اخلاق در نظر موکل و در نهایت اجتماع پایین می‌آورند که به این وسیله نتنها به پیکر نهاد مقدس وکالت خدشه وارد می‌کنند بلکه به جامعه و نهاد مقدس قضا هم آسیب می‌زنند.

همچنین بازرسی از وکلا در بدو ورود مجتمع های قضایی و گاهی برخوردهای ناشایست بازرسین، در مقابل چشمان موکلین و ارباب رجوع امری دردناک است. در صورتی که به نظر می‌رسد اعمال بازرسی و اخذ موبایل از وکلا هیچ توجیه قانونی و اخلاقی ندارد و فقط به منظور جلوگیری از انعکاس و انتشار رفتار ناشایست بعضی از قضات و کارکنان کاربرد دارد.

خوشبختانه اخیراً نظر سنجی به صورت الکترونیکی، پس از مراجعه به شعب دادگاه ها از وکلا و ارباب رجوع به عمل می‌آید که گام مفید و قابل تحسینی در زمینه تکریم ارباب رجوع می‌باشد. همچنین قرارداد گیت های ویژه برای ورود وکلا در برخی مجتمع های قضایی نقطه ی عطفی در جهت سیانت از مقام وجایگاه شامخ وکیل می‌باشد.

۳-۴- امنیت جانی و مالی وکیل و حمایت قانون از وکیل در این مورد

هر از گاهی خبر قتل و کیلی توسط طرف دیگر دعوا و یا حتی توسط موکل وکیل در رسانه ها پخش می‌شود و مدت کوتاهی، نقل محافل می‌گردد و زیادها می‌رود بدون این که تمهیداتی جهت جلوگیری از تکرار چنین فجایعی اتخاذ گردد. اگر قوانین حمایتی و موثری در خصوص تامین امنیت جانی وکلای دادگستری وجود داشت و از طرفی فرهنگ سازی لازم در خصوص نقش و جایگاه وکلای دادگستری در فرایند رسیدگی قضایی توسط رسانه ملی صورت می‌گرفت و هجمه های کمتری متوجه وکلای دادگستری می‌شد، بی شک امروز شاهد حدوث وقایع تلخ در رابطه با جان و مال وکلا و خانواده هایشان نبودیم و با توجه به شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه در این رابطه، می‌توان گفت که حرفه وکالت یکی از خطرترین حرف و مشاغل موجود در

جامعه ایران محسوب می شود. با وجود اینکه تعداد زیادی از وکلا تا کنون مورد ضرب و جرح منجر به فوت شده اند ولی هنوز قانون مدونی در جهت حمایت وکیلا تدوین نشده است در صورتی که بعد از صدمه بدنی که به چند نفر از امران به معروف و ناهیان منکر وارد شد، مجلس شورای اسلامی بلافاصله در واکنش به چنین حادثه ای، مبادرت به طرح دو فوریتی حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس نموده و با امضای تعدادی از نمایندگان اعلام وصول و در نهایت تصویب نمود. انتظار جامعه وکالت از مقامات حاکمیتی و بالاخص، نمایندگان محترم مجلس آن است که بدون هیچ تبعیضی چتر حمایتی قانون را بر سر وکلای دادگستری نیز به عنوان قشری که به واسطه حرفه خویش در معرض آسیب قرار دارند بگسترانند و الزاماتی را پیش بینی نمایند تا حرمت وکلای دادگستری و جایگاه و نقش ایشان در مقام دفاع حفظ شده و به راحتی خدشه دار نشود (<https://isna.ir/news/628125>)

در کشورهای توسعه یافته از جمله کشورهای اروپایی و آمریکایی، جایگاه، شان و منزلت و استقلال وکلا کاملاً تثبیت شده است و وکلا در بالاترین مرتبه اجتماعی قرار دارند و از احترام و جایگاه بسیار رفیع و ارزشمند برخوردارند و اکثر روسای جمهور ایالات متحده از تحصیلات حقوقی برخوردارند و نظام حکومتی و قضایی و فرهنگی آن ها به گونه ای طراحی شده است که به هیچ وجه کوچکترین بی حرمتی و تعرضی به آن ها صورت نمی گیرد. (۱۳۹۳، بابایی، رحیم)

در بعضی کشورها از جمله ترکیه نرم افزار UBAP از سوی اتحادیه سراسری وکلا طراحی گردیده است که در تلفن همراه وکلا نصب شده و در صورت تهدید شدن وکلای دادگستری در موقعیت های خطرناک و اضطراری، از سریع ترین راه ممکن به پلیس، نیروهای امنیتی، درمانی اطلاع داده می شود. این برنامه با هر گوشی هوشمندی سازگار است و به این گونه عمل می کند که در صورتی که وکیل وکیل دادگستری، خود را در موقعیت اضطراری ببیند با تکان دادن گوشی و یا کشیدن دکمه روی صفحه (در صورت فعال بودن) گوشی هوشمند به حالت هشدار فعال می شود و برنامه به طور خودکار فوراً زنگ هشدار را به (مرکز نظارت) اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری ارسال و همزمان محل اعلام خطر در نقشه برای مرکز نظارت نمایش داده می شود تا اقدامات لازم صورت پذیرد. این نرم افزار دارای تنظیمات هشدار ویژه سفر، هشدار بی حرکتی و هشدار مراقبت های پزشکی و غیره بوده که کاربر می تواند در صورت فعال بودن تنظیمات به خانواده یا مرکز نظارت ارسال نماید. (<https://arsislaw.com>) در ایران نیز برخی وسایل دفاع شخصی از جمله شوکر و اسپری فلفل در اختیار وکلای متقاضی گذاشته می شود که از کیفیت خوبی برخوردار نیست.

یکی دیگر از دغدغه های وکلا بخصوص وکلای مرکز عدم بیمه عمر و بیمه باز نشستگی است. گاهی دیده می شود وکیل با وجود از کار افتادگی و با ویلچر مجبور شده است در جلسات دادگاه حاضر شود و یا پس از فوت وکیل سرپرست خانواده، باز ماندگان تحت تکفل آن ها دچار گرفتاری های مالی شدیدی شده اند در صورتی که از وکلا مرکزوجهی برابر تمبر مالیاتی، در زمان ثبت دادخواست و اعلام وکالت از آن ها اخذ می گردد ولی این مبلغ برای وکلا مصرف نمی شود که با وجود اعتراضات وکلای مرکز هیچ جوابی به آن ها داده نمی شود که در این جا هم چهره نا زیبای عدم استقلال وکلا خود نمایی می کند و اعتراض وکیل منجر به بازخواست ایشان می گردد. البته خود مرکز وکلا جهت حل این معضل با بیمه های خصوصی رایزنی های صورت داده است ولی به دلیل مشکلات مالی، وکلا قادر به پرداخت مبلغ ماهیانه بیمه نیستند. به نظر می رسد این مشکل وکلای مرکز قابل حل باشد چرا که علاوه بر این که از این وکلا وجهی برابر مقدار تمبر مالیاتی ابطال شده اخذ می شود، قوه قضایی می تواند با اعطای پرونده های معاضدتی و تسخیری و مشاوره های قضایی رایگان به ارباب رجوع مبلغی را برای بیمه کردن وکلا در نظر بگیرد. وکلای مرکز به صورت اجباری و دوره ای باید روزهایی را در مجتمع های قضایی برای پاسخ گویی و مشاوره حقوقی به مراجعه کنندگان اختصاص دهند در صورتی که هیچ ماده قانونی در این رابطه تصویب نشده است و این امر در ابتدا به صورت تبری و پیشنهادی انجام می شد ولی در ادامه به صورت وظیفه و اجباری در آمده است در حالی که بیگاری کشیدن چه از جهت قانونی و چه شرعی نکوهیده است ولی وکیل مرکز مجبور است برای حفظ و تداوم فعالیت وکالت

خود به آن تن دهد والا مرکز از تمدید دفترچه وکالتی وادامه فعالیت وکیل سر باز می زند. اگر برای مشاوره های صورت گرفته مبلغی از ارباب رجوع گرفته شود و حق الوکاله هایی که برای پرونده های معاضدتی و تسخیری در نظر گرفته شده در جهت بیمه وکلای مصرف شود مشکلات از کار افتادگی و بیمه عمر وکلا هم حل می گردد.

نتیجه گیری

حرفه وکالت در شرایط اجتماعی امروز یکی از خطرناکترین حرف و مشاغل محسوب می شود. شاغلین به حرفه وکالت در معرض بیشترین آسیب ها و هجمه ها قرار دارند. امروز وکلا با پدیده ای روبرو هستند که امنیت جانی آنها را مستقیماً هدف قرارداد و وکلای دادگستری را به عنوان قشری که دچار بیشترین بزه دیدگی در رابطه با حرفه خویش هستند در زمره آسیب پذیرترین طبقات اجتماعی قرارداده است. متأسفانه نه تنها هیچ اقدام پیشگیرانه یا واکنش موثری در این خصوص از ناحیه مراجع ذی ربطی که عهده دار امنیت شهروندان و مسئول پیش گیری از وقوع حوادثی علیه آنها هستند، صورت نمی گیرد بلکه برخی از تصمیمات و رفتارها به عدم امنیت جایگاه شغلی و جانی و آبروی وکیل دامن می زند به طور مثال:

برخی از قضات از جایگاه و موقعیت شغلی خود سوء استفاده کرده و به تبع آنها برخی کارکنان اداری دادگستری به خودشان اجازه می دهند که وکیل را در انظار عمومی و به خصوص در مقابل چشمان اصحاب دعوا تحقیر می نمایند. از طرفی با بازرسی بدنی وکلا در بدو ورود به داخل مجتمع های قضایی باعث بدبینی افراد عادی به وکلا می شوند. همچنین مسئولین ذی ربط، با وجود اخذ مبالغی معادل تمبر مالیاتی هنگام ابطال تمبر و مبلغی برای حق عضویت در مرکز وکلا مرکزی و مبلغی جداگانه برای حق عضویت در مرکز وکلای استان و نیز در قبال دادن پرونده های تسخیری و معاضدتی و برگزاری دوره ای مشاوره های قضایی به ارباب رجوع از وکلا بیگاری کشیده و حتی در قبال ارائه آن خدمات صورت گرفته توسط وکلا، از کمترین حق که همانا بیمه کردن وکلا است طفره می روند و در مقابل اعتراض وکلا به این امر، آن ها را تحدید به ممانعت از فعالیت می کنند و در صورتی که اگر وکیل به هر دلیلی ناقص یا از کار افتادگی شود، هیچ ممر درآمدی برای امرار معاش خود و خانواده اش ندارند. در جهت حمایت از حرفه وکالت در ایران می بایست اقدامات اساسی و تدوین قوانین قوی و کارآمدی وضع شود و در این زمینه فرهنگ سازی گردد و صدا سیما برنامه هایی در جهت ارتقاء شان و جایگاه وکلا در جامعه بسازد و با ساخت واکران فیلم ها و سریال هایی که موجب تخریب چهره وکلا در جامعه می شود برخورد گردد. قضات و کارکنان سازمان قضایی متخاطی دست از توهین و تحقیر وکلا بردارند و برای این گونه برخورد های تحقیر و توهین آمیز مجازات تعیین شود، برای حفظ استقلال وکلا اگر از آن ها از هر لحاظ در راستای کار وکالت، تخلف یا جرمی صادر شود، فقط و فقط دادسرای انتظامی وکلا به آنها رسیدگی کند نه قوه قضائیه یا هر ارگان دیگر. موسسات حقوقی یا نظام مند شوند و یا برچیده شوند. جذب وکیل می بایست به صورت قانونمند و مطالعه شده صورت پذیرد و در این امر خطیر، مقطعی و احساساتی عمل نشود و از جذب قضات بازنشسته و باز مانده از خدمت و کارمندان و نمایندگان حقوقی ادارات بدون آزمون جلوگیری به عمل آید چرا که این گونه افراد فقط به واسطه شغل قبلی خود با جذب موکل و داشتن ارتباط با همکاران قبلی بدون داشتن قابلیت های واقعی بیشتر از وکلای عادی برای مدتی تعادل وضعیت وکلای دیگر را تحت الشعاع قرار می دهند. همچنین وسایل دفاع شخصی از قبیل اسپری فلفل و شوکر و... در اختیار وکلا جهت حفاظت از خود و خانواده شان قرار گیرد. از نرم افزارهای موجود جهت نصب در گوشی وکلا طراحی گردید ه استفاده شود. جایگاه شغل وکالت که یکی از ارکان نهاد عدالت و قضا است در جامعه فقط زمانی ارتقاء می یابد که سه قوه مجریه، قضائیه و مقننه احساس تکلیف کنند و در جهت حل مشکلات این قشر از جامعه که سرنوشت و جایگاه آنها به سرنوشت کل افراد جامعه گره خورده با دور اندیشی و درایت و بدون موضع گیری ناحق بر آیند.

منابع

الف : کتاب

- ۱- احمدی، نعمت، ایین دادرسی مدنی، ج ۱، چاپ سحاب، ۱۳۷۵
- ۲- امامی، سید حسین، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱۱، چاپخانه اسلامی
- ۳- خمینی، روح الله، وکالت تحریرالوسیله، ج ۲، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲
- ۴- رفیعی، علی، چ ۱، فکر سازان، تهران، ۱۳۹۴
- ۵- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی، چ ۳۲، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰
- ۶- محسنی، حسن، وکالت و کانون وکلای دادگستری در نظام های حقوقی، سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۲
- ۷- مهاجری، علی، آیین وکالت در دعاوی مدنی، ج ۱، انتشارات فکر سال، تهران، ۱۳۹۵

ب : مقالات

- ۱- احمدی، علی، ۱۳۹۹، وکالت در دعاوی، دومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی
<https://civilca.com/doc/1193550>.
- ۲- اشرف زاده، جعفر و مسعودی، معراج ۱۳۹۹، تاریخچه نهاد وکالت در حقوق ایران، کنفرانس بین المللی حقوق، روانشناسی، علوم تربیتی، رفتاری، کرج،
<https://civica.com/doc/1118996>.
- ۳- بابایی، رحیم ۱۳۹۳، جایگاه وکالت و شان وکیل در آمریکا و مقایسه آن با ایران، اولین همایش ملی وکالت و اخلاق و فقه
<https://civilca.com/doc/379879>
- ۴- حسینی، علی محمد، ابعاد فقهی حقوقی وکالت مطلق و عام،
<https://civilica.com/doc/123564>.
- ۵- خاتونی پودینه، زهرا، ۱۳۹۸، بررسی حقوقی تفویض وکالت
<https://civilica.com/doc/770217>
- ۶- خانی ولی زاده، سعید، ۱۳۹۷، حق برخورداری از وکیل در رسیدگی های اداری در ایران و فرانسه، فصلنامه حقوق اداری، سال ۶، شماره ۱۷
- ۷- خوشروی، مهدی، ۱۳۹۸، حق آزادی انتخاب وکیل و استقلال نهاد وکالت از حاکمیت
<https://civilica.com/doc/1352532>.
- ۸- دیدبان، المیرا، بررسی تطبیقی اختیار ناشی از اضطرار وکیل در حقوق ایران و حقوق کشور های اروپای، نخستین کنفرانس ملی حقوق فقه و فرهنگ، شیراز
<https://civilica.com/doc/1150609>
- ۹- ضرغام، یداله، شرح و تحلیل حقوقی فقهی و ضمانت اجرای وکالت بلاعزل، سومین کنفرانس ملی حقوق در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت،
<https://civilica.com/doc/1152564>
- ۱۰- دیوسالار، نادر و نجفی توانا، علی، ۱۴۰۰، مبانی استقلال وکیل و روند حق دفاع در پرتو تحولات تقنینی ایران
<https://civilica.com/doc/1249351>.
- ۱۱- زمانی پور، سمیه، ۱۳۹۹، نقش اخلاق حرفه ای وکالت در احیاء تمدن نوین اسلامی، کنفرانس ملی مولفه های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب، مشهد،
<https://civilica.com/doc/1131156>
- ۱۲- صفایی، حسین و فقیهی، علی ورنجبر، عباس، ۱۴۰۰، بررسی فقهی و حقوقی، مباحث نوین عقد وکالت، پنجمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان،
<https://civilica.com/doc/1232770>

- ۱۳- فرهادی، محمد صادق، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی، اخلاق حرفه ای وکالت در اسلام و غرب، سومین کنگره بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی، تهران، <https://civilica.com/doc/1181482>
- ۱۴- محسنی، حسن، ۱۳۹۹، وکیل دادگستری و احترام شایسته به دادگستری، <https://civilica.com/doc/1189514>
- ۱۵- نجفلو، رضا، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی مقایسه استقلال کانون وکلا در ایران و کشورهای اروپا و آمریکا، هشتمین کنفرانس بین المللی مطالعاتی حقوقی و قضایی، <https://civilica.com/doc/1236644>
- ۱۶- نصیری زاده شهری، رسول، ۱۳۹۹، بررسی فقهی حقوقی تفویض وکالت، <https://civilica.com/doc/1273144>

